

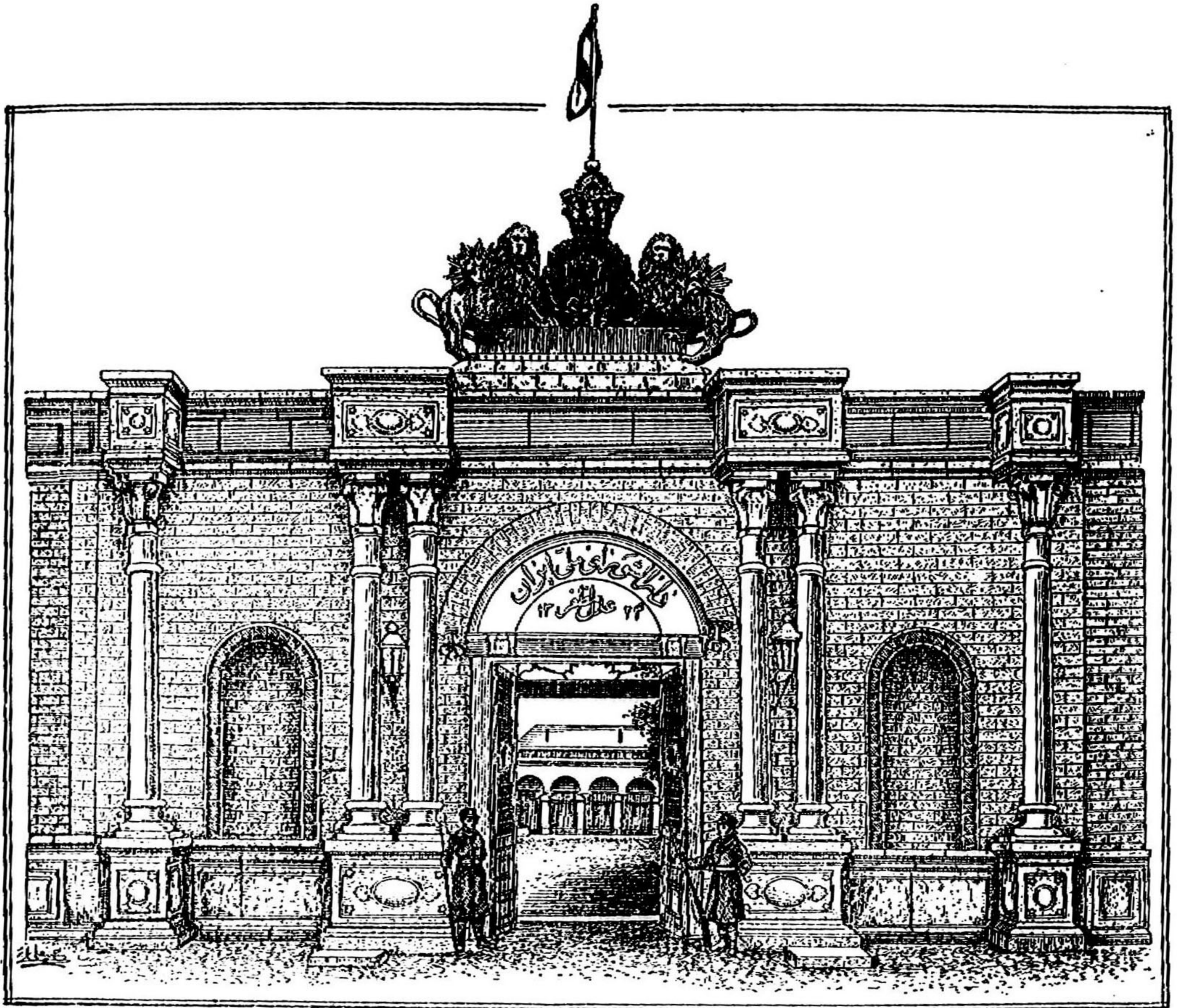
<p>جلسه ۵۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره بیست و دوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲ بهمن ماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۸ رجب ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



# فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	مذاکره نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع بتاسیس بانک ملی ( شور کلی تا ماده ۳ ) و ارجاع مواد ۱ - ۲ - ۳ به کمیسیون	۲۷۱	۲۸۹





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقدیبه

صورت مشروح مجلس مورخه يك شنبه ۲ بهمنماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۸ رجب ۱۳۴۵

### جلسه ۵۶

رئیس - آقای عراقی	( مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید . )
حاج آقا اسمعیل عراقی - بنده تصور میکنم که راجع بعمليات دولت تصریحاً عرض کردم که در خصوص	( صورت مجلس پنجشنبه بیست و نهم دیماه را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند )



لوشن مراسمه بکمپانی و تصویبنامه ها دولت صلاحیت نداشته و بطور کلی عرض نکردم و در صورت مجلس بطور کلی مینویسند در صورتی که بنده عملیات را تصویب کردم رئیس -- اصلاح میشود. آقای امامی

امامی - بنده بعد از مذاکرات آقایان مخصوصاً ماده ۴۴ نظامنامه را تذکر دادم و در صورت مجلس نوشته نشده است

رئیس -- بنا نیست تمام مذاکرات در صورت خلاصه نوشته شود در صورت مشروح نوشته میشود

رئیس -- نسبت بصورت مجلس دیگر اعتراضی نیست؟ بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس -- خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بتأسیس بانک مطرح است. شور در کلیات است آقای بامداد مخالفتی بالابحه؟

بامداد - بل

رئیس -- بفرمائید

بامداد -- البته محتاج باظهار نیست که بکنقر ایرانی وقتی که اسم تأسیس بانک ملی ایران را میبرد مثل اینست که خداوند يك حیات تازه ای برای ایران عطا فرموده. چند چیز آرزو بود یکی موازنه صادرات و واردات، یکی برای اینکه صرافی و معاملات در دست خودمان باشد و برای حیات اقتصادی يك دین بخاری در مملکت موجود باشد مسئله بانک است بعد از چند سال برای موازنه صادرات و واردات يك لابحه آوردند بنام منع اشیاء تجملی و شور اول هم شد ولی چنانکه آقایان مسبقاً روح آن لابحه اضافه کردن مالیات بود. حالا رفته است به کمیسیون و در شور دوم البته بنظر آقایان میرسد. این لابحه دوم است و چون همه اظهار فرمودند که این لابحه

را تصویب میکنیم و کنتراست میشود و میآید اما بانک کی درست میشود؟ معلوم نیست. مثل مستشار آهن نوب کفی که ایشان آمده اند اینجا و مدتی هست هستند و هنوز نقشه راه آهن کشیده نشده (مسیو مارتن) ، مایول هم میدهیم. يك اعتراض دیگری هم که دارم راجع باین لابحه اینست که مکرر در کمیسیونها چه در کمیسیون خارجه چه در کمیسیون بودجه که بنده سابقه دارم و همچنین شنیدم در کمیسیون قوانین مالیه هم این مذاکره شده یعنی بدولت اظهار شد که لابحه مرکب نیاورند یعنی شما اصل لابحه بانک را بیاورید. مستشار که خواستید يك لابحه علیحده بیاورید. باز اینجا در عین حال مستشار را هم داخل کرده اند

رئیس - آقای فرمند

فرمند -- بنده تصور میکنم بهترین لوائی که دولت تقدیم مجلس کرده است همین لابحه تأسیس بانک ملی است برای اینکه ما همگی مدتی است صحبت میکنیم که باید يك فکری برای اقتصادیات مملکت کرد و وقتی که فکر میکنیم البته باید آن فکر را عملی بکنیم و بهترین عمل هم همین تأسیس بانک است از نقطه نظر کمکهائی که برای پیشرفت فلاحت میکند.

بنده اصولاً معتقدم که مملکت ایران اگر بخواهد صادرات و وارداتش موازنه بکند و ثروت ملی محفوظ بماند باید اول قدمی که بر میدارد قدم اقتصادی و فلاحتی باشد یعنی در ولایات که بعضی محظورات پیش میآید بآنها کمک بشود که در آنجاها يك کار هائی بکنند که صادرات زیاد بشود. بنده معتقد نیستم که همیشه جنبه منفی را بگیریم (مثلاً منع اشیاء تجملی و غیره) و باید همیشه جنبه مثبت را بگیریم یعنی کاری بکنیم که صادراتمان زیاد شود اگر صادرات زیاد شود امور اقتصادی ما يك حالت طبیعی پیدا میکند اما در نفعی مثل اینکه يك اشیائی را منع بکنیم اینها يك چیز هائی است موقتی و ممکن است بيك اشکالی هم بر بخوریم پس این بانک از نقطه نظر ترقی فلاحت و تجارت

کاملاً واجب است و گمان میکنم راهی که برای پیشرفت و اصلاح وضعیت اقتصادی و فلاحت مفید است فقط همین راه است آقای بامداد فرمودند که وجوه و دایع برای این بانک گرفته نشود در صورتیکه هیچ ضرری ندارد از وجوه و دایع بعنوان مساعده یا قرض یا هر چه برای تأسیس این بانک گرفته شود و بنده تصور میکنم که اگر هم وجوهی از يك بانگی یا از يك مؤسسه یا يك ربح مختصری قرض بشود و بمصرف کارهای اقتصادی مملکت برسد هیچ ضرری نداشته باشد برای اینکه وقتی ما يك قرضی می کنیم و میدهیم مردم همان تزیلی را که از مردم میگیریم میدهیم بان کسی که از او قرض کرده ایم و از اینکار يك عوائد اقتصادی حاصل میشود و هیچ ضرری ندارد در تمام ممالک دنیا هم قرض میکنند و برای اصلاحات اقتصادی خرج میکنند ما هم اگر اینکار را بکنیم بعقیده بنده خیلی خوبست. فرمودند با فروش جواهرات ایشان مخالفتند این جواهراتیکه ما داریم يك مقدارش قابل فساد است یعنی قابل ضایع شدن است مثل مروارید و غیره که اگر در انبارها بماند ضایع میشود و بنده تصور نمیکنم آنها يك چیزهای لازمی باشد که ما مجبور باشیم نگاه داریم جواهراتیکه ما داریم بغیر از جواهرات تاریخی آلت معطله است که اگر نقد بشوند و بمصرف بستن سدابکار خانجات برسند هر سال نفع میدهند در صورتیکه در حبس بمانند هیچ فایده ندارد و امروزه هم در تمام ممالک دنیا هیچ ثروتی را برای يك مدت مدیدی حبس نمی کنند. این جواهرات فروشش فوق العاده لازم است باستانهای دوسه تیکه جواهرات تاریخی که البته باید آنها را نگاه داشت بقیه را باید فروخت و از وجوه آنها برای مملکت استفاده کرد. بنده معتقدم که خیلی هم مفید است. یکی هم فرمودند که در فروش خالصجات اختلاف نظر است، اختلاف نظری که بنده در مجلس می بینم از نقطه نظر اصولی نیست از نظر اصلاح مواد و ترتیب فروش خالصجات است که مثلاً لابحه ترتیب فروخته شود اولاً اصولاً گمان میکنم در مجلس برای فروش خالصجات



کسر و نقصان پیدا کرد محل اعتباری داشته باشد و این جواهرات را بفروشد و بدهد.....  
زوار -- بانک پول میخواهد

حائری زاده -- ممکن است خالصجات دولتی را بگذارند باختیار بانک و جواهرات را هم تقویم بکنند و بگذارند تحت اختیار بانک که هر وقت بانک مضطر شد دست بآن زند نه اینکه امروز برای اعتبار بانک بفروشند و بنده تصور میکنم تاسیس بانک مستلزم فروش خالصجات نیست و ممکن است خود خالصجات و جواهرات را که ده بیست میلیون یا کمتر یا بیشتر است محل اعتبار بانک قرار دهند بعلاوه بنده نمیدانم این ودایعی را که دولت به بانک شاهنشاهی میدهد چرا استثناء کرده اند؟ ودایع راجع بانحصار قند و شکر با سایر ودایع را چرا بیانک خودمان که معتبر باشد نسپریم؟ این وجوه حاصله از قند و شکر و چای را بچه مناسبت وقتی که خودمان باک داشته باشیم بجای دیگر بدهیم؟ این استثناء را بنده نفهمیدم. من بواسطه این دو سه فرازش خیال میکنم اینکار بتعویق بیفتد و تصور میکنم اگر اصلاح شود خیلی زودتر این بانک تاسیس و دائر شود.

فهمی (نخبر کمیسیون قوانین مالیه) -- همانطوری که آقای حائری زاده اشاره فرمودند تاسیس بانک مستلزم این است که یک مبلغ معتناهی وجه نقد در صندوق بگذاریم و بگوئیم ما بانک داریم. همان طوریکه تجار و کسبه وسیله تبادل اجناس بین افراد هستند بانک هم یک مؤسسه تجاری است که وسیله تبادل نفوذ بین افراد است. بانک خودش منحصرأ و منفردأ نباید یک پول معینی همیشه حاضر داشته باشد. بانک باید محل تمرکز وجوه نقدینه مملکتی و افراد باشد ولی روی هم رفته برای بانک باید یک اعتبار اساسی پیش بینی کرد و یک مبلغی هم برای تضمین آن اعتبار در نظر گرفت تا افراد بتوانند با اطمینان خاطر وجوه خودشان را بآن

اکثریت باشد. بعد هم فرمودند که ما مستشاران میآوریم و مثل مسیو مارتن اینجا معطل میانند عرض میکنم مستشار وقتی که میآید (چنانکه در خود همین لایحه هم اجازه گرفتن ودایع داده شده است) بورود اینجا مشغول کار خواهد شد برای اینکه همانطوریکه فرمودند این لایحه که مرکب است برای اینست که این مستشار..... یکی دو نفر از نمایندگان -- متخصص

فرمند -- بله متخصص. این متخصص وقتیکه آمد اینجا بمحض ورود میتواند فوری ودایع را بگیرد و قروضی بکند و بانک را راه بیندازد و بنده تصور میکنم این بهترین لایحه است که ما در دوره ششم میگذاریم اگر چه البته اول مسئله راه آهن است ولی بنظر بنده بعد هم این مسئله بانک است که خیلی منفعت مملکت خواهد داد و بنده هم معتقدم هر چه زودتر این لایحه از مجلس شورای ملی بگذرد و بانک تاسیس شود منفعت مملکت است  
رئیس -- آقای حائری زاده

حائری زاده -- بنده زائد میدانم در فوائد بانک که ما داشته باشیم صحبت بشود ولی این لایحه بشکلی که تنظیم شده بنده تصور میکنم باین زودها بانک تاسیس نشود و معتقدم که اگر یک اصلاحاتی در این راپرت بشود ما زودتر دارای بانک میشویم. باید دید بانک چه میخواهد بانک یک تنظیمات و اداراتی میخواهد و یک اعتبار و نقدینه میخواهد که با او معامله کنند. تنظیماتش را پیش بینی کرده اند که بکنفر متخصص استخدام شود و باید تشکیلاتش را بدهد و تنظیماتش را عهده دار شود و این جمله خوب و مفید است اما راجع باعتبارش بنده نفهمیدم اگر آقایان فهمیده اند و به بنده حالی کنند خیلی مسرور میشوم چون ممکن است اشتباه کرده باشم. بنده خیال میکنم که لازم نباشد اعتبار بانک نقدینه باشد که در صندوق محبوس کنند ممکن است همین جواهرات و خالصجات محل اعتبار بانک قرار دهند که اگر در تجارتش

بانک بسپرنند. در اینجا بطوریکه ملاحظه میفرمائید پانزده ملیون تومان سرمایه اصلی بانک پیش بینی شده است و محل پانزده ملیون تومان هم یکی قیمت خالصجات است و یکی قیمت جواهرات دولتی. بعلاوه از سایر عوائد دولت هم یک مبلغی معین شده است که از سال هزار و سیصد و هفت بعد همه ساله بیانک پرداخته شود و اینها برای اعتبار بانک است تا وقتی که بانک بجزایان بیفتد ولی اگر امروز صد هزار تومان بانک در صندوق خودش حاضر بکند از فردا شروع معامله خواهد کرد. پنج ملیون سرمایه ابتدائی هم که اینجا پیش بینی شده است نه این است که پنج میلیون را فوراً حاضر بکنند. مجلس بدولت اجازه میدهد که پنج میلیون از ودایع بعنوان استقراض بگیرد و استقراض هم بطوریکه آقای نامداد فرمودند مقصود این نیست که از یکی از بانکهای اجانب بگیرد آهم با یک ربح گرانی و بموقع معامله بگذارد بلکه مقصود این است که از وجوه متعلقه بدولت که فعلاً در بانکهای دیگر بعنوان ودیعه گذاشته شده است بانک قرض بکند. بانک یک مؤسسه ایست خارج از اداره خزانه داری این پول را قرض میکند و مجدداً اداره خزانه داری رد میکند. و اینکه آقای حائری زاده فرمودند چرا وجوه قند و چای را در این بانک نگذارند شاید بعد باین قسمت هم برسیم اما نباید اشتباه کرد زیرا وجوهی که بیانک بعنوان ودیعه داده میشود غیر از وجوهی است که برای سرمایه بانک اختصاص داده میشود. سرمایه بانک آن وجوهی است که خود بانک منحصرأ میتواند با آن معامله و داد و ستد کند یا قرض بدهد لیکن وجوهیکه بودیعه داده میشود بانک ابدأ آن اختیار را نخواهد داشت. بانک باید آن وجوه ودیعه را چه متعلق بدولت باشد و چه متعلق باشخاص نگاهدارد و مطابق نظامنامه که تهیه میشود در سر موقع و موعود بصاحبش رد کند و اختیار مطلق در غیر از وجوهی که سرمایه حقیقی بانک است نخواهد داشت این است که در اینجا قید

شده است که باید از وجوه ودیعه قرض کند و البته با شرایطی هم که در نظامنامه قید میشود بدولت رد کند و بعد از آنکه بانک بجزایان افتاد و معنائی پیدا کرد ممکن است سایر وجوه ودیعه هم که در بانکهای دیگر است بیانک ملی سپرده شود ولی محالاً یک سرمایه لازم است برای بانک پیش بینی شود و یک وجه ابتدائی که بتواند بانک بوسیله آن شروع بکار کند و سایر قسمتها در لوابحی که بعد می آید ممکن است ذکر شود.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است  
رئیس -- رأی گرفته میشود بشور در مواد آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند.  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده اول قرائت میشود.  
(بشرح ذیل خوانده شد)  
ماده ۱ -- بدولت اجازه داده میشود برای پیشرفت تجارت و فلاح و زراعت و صناعت بانگی موسوم بیانک ملی ایران تاسیس نماید که مرکزش در طهران و شعب آن متدرجاً در ایالات و ولایات دائر خواهد شد.  
رئیس -- آقای شیروانی.

شیروانی -- بنده چون در اساس لایحه موافق بودم از اینجهت در مواد اجازه گرفتم. ماده اول این لایحه بطوریکه با آقای مخبر هم مذاکره کردم یک حدود و اسمی برای این بانک معین کرده و مطابق شرحی که در ماده نوشته شده. و اگر نظرشان این بوده که این بانک در امور تجارت و فلاح و زراعت و صناعت هم کمک بکنند بهتر این بود که این را در مقدمه مینوشتنند فقط این جا نوشته میشود که دولت مکلف است بانک تاسیس بکند و بعقیده بنده این ترتیب بهتر بود و حالاً اگر لازم میدانند که حتماً این اسمی در اینجا ذکر شود باید نوشته شود که دولت مکلف است یک بانگی تاسیس کند و ضمناً نوشته شود که بامور تجارت و فلاح و صناعت هم کمک خواهد کرد والا اینطوری که اینجا فقط اسم برده شده (برای تجارت و زراعت و فلاح) مفهوم مخالفش این است که صرافی نمی تواند



بکنند در صورتیکه ما میخواهیم مخصوصاً بانک داشته باشیم که معاملات صرافی و براتی بکنند و ضمناً بتجارت و زراعت ما هم کمک بکنند این است که بنده پیشنهادی هم در اینباب خواهم کرد.

رئیس - آقای افشار . موافقت؟

افشار - بلی .

رئیس - بفرمائید .

افشار - نظریه که آقای شیروانی فرمودند تقریباً يك اصلاح عبارت بود که بعقیده بنده چندان وارد هم نیست زیرا کله تجارت شامل صرافی هم هست زیرا وقتی بانگی در يك مملکتی تاسیس میشود البته یکی از وظائف او تجارت است و تجاری هم جنبه صرافی کاملاً شامل است بنا بر این بنده تصور میکنم این اصلاح عبارتی هم چندان وارد نباشد

رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

میرزاسید احمد خان (اعتبار) - موافقم

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی (دیبا) - موافقم

رئیس - آقای فرمند

فرمند - موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای ساکینیان قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور اصلاح شود:

ماده اول - بدولت اجازه داده میشود بانگی موسوم به بانک ملی ایران تاسیس نماید که مرکزش در طهران و شعب آن در ایالات و ولایات و در خارجه خواهد بود  
نصرت - قسمت عمده عملیات این بانک در تشویق و تائید پیشرفت فلاحت و تجارت و زراعت و صناعت خواهد بود . (سهراب ساکینیان)

رئیس - آقای سهرابخان توضیحی دارید؟ بفرمائید.

بعضی از نمایندگان - این لایحه دو شور است .

رئیس - این لایحه از اول تا آخر تماشای خرج است و يك شور دارد - آقای سهرابخان : توضیح بدهید .  
سهراب خان - به عقیده بنده این بانگی که در ایران باید تاسیس بشود باید يك شعبه هم در شهرهای عمده خارجه داشته باشد چون تمام کارهای عمده بانک در خارجه است در داخله ما میتوانیم با بانکها باصرافخانه های دیگر سروکار داشته باشیم و کارمان را انجام دهیم ولی در خارجه ما ناچاریم يك شعبه از این بانک داشته باشیم .

معاون وزارت فوائد عامه - بنده برای اینکه نظایر این پیشنهاد هم بشود در اینخصوص توضیح میدهم که دیگر محتاج بتوضیح نشود . اساس این لایحه فقط مقصود تاسیس بانک نیست که ما الان میخواهیم دولت با مجلس دلش خوش باشد که بانک دارد خیر بلکه اساساً تاسیس بانک برای اصلاحات اقتصادی است که در داخله يك اصلاحات اقتصادی را شروع کنند و يك تشبثات اقتصادی بنماید و به صنعت و تجارت و زراعت مملکت کمک بکنند با اتباع داخله پول بدهد و کار آنها را راه بیندازد و الا مقصود این نیست که ما يك بانگی مثل بانک کردی لیون تاسیس بکنیم . این بانک برای پیشرفت امور داخلی است و شعبه آن هم باید در داخله و در ایالات و ولایات باشد . مقصود پیشرفت کارهای داخلی و اصلاح امور اقتصادی است . اما اگر میخواهیم يك بانک درست

کنیم و داخل در جرگه بانگیها بشویم آن يك موضوع دیگری است و ربطی باین کار ندارد . در اینجا مقصود کمک بامور اقتصادی و مسائل صنعتی است .

رئیس - آقای فاطمی پیشنهادی کرده اند ولی تصور

نمیکم مورد داشته باشد . قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم این لایحه دوشوری باشد .

فاطمی - بنده عقیده خودم این است که این لایحه دو شوری است برای اینکه لایحه خرج تنها نیست بلکه متضمن تاسیس بانک هم هست و مطابق سوابق و نظامنامه عقیده بنده این است که این لایحه دوشوری است ولی چون در اینجا مذاکره شد که این لایحه دوشوری است باین جهت پیشنهاد کردم حالا اگر مجلس قبول میکند که این لایحه دوشوری است بنده پیشنهادم را پس میگیرم ولی عقیده بعضی از آقایان این است که يك شوری است بنده پیشنهاد میکنم دو شوری باشد .

رئیس - اگر ملاحظه بنظامه بفرمائید تصدیق

خواهید کرد که این لایحه مشتمل بر اجازه مخارج مخصوصی است و يك شور دارد و با يك پیشنهاد هم بعقیده بنده نمیشود نظامنامه را از بین برد از اول لایحه تا آخر لایحه تمام خرج است فقط ماده اولش میگوید دولت مجاز است بانگی تاسیس کند ولی پولش را میگوید از محلی بردارند و محلی بگذارند يك ماده دیگرش تصریح دارد که متخصص استخدام کند باز در يك ماده دیگر میگوید که سرمایه اش از فروش خالصجات و جواهرات باید باشد . اینها همه از وجوه خزانه است که اجازه خواسته شده از يك محلی بردارند و بيك محلی دیگر بگذارند آقایان ممکن است در ضمن شور بیشتر دقت بفرمایند آقای مخبر : نسبت به پیشنهاد آقای ساکینیان چه عقیده دارید .

مخبر - بنده اصلاً با قسمت دوشوری بودن این لایحه موافقم . .

رئیس - نسبت به پیشنهاد آقای سهراب خان بفرمائید .

این سابقه را در مجلس نگذارید

مخبر - بنده اخطار نظامنامه دارم

رئیس - مطابق کدام ماده ؟

مخبر - ماده هیجده

رئیس - بفرمائید

مخبر - ماده هیجده میگوید کلیه لواج و طرحهایی

که در جمع و خرج سال بعد مؤثر باشد با راجع به بودجه سال بعد است . این مسئله راجع بیودجه سال بعد نیست و فقط ماده که راجع به متخصص است ماده خرج است و مواد دیگرش راجع بتاسیس يك مؤسسه است و خرج معینی را در اینجا تصویب نمیکند

رئیس - ماده پنجاه و نه قرائت میشود : ( اینطور

قرائت شد )

ماده پنجاه و نه - ترتیبات شور مرتبه اول و مرتبه دوم در مواد ذیل مجری نخواهد بود - اولاً بودجه دخل و خرج مملکتی - ثانیاً قوانینی که راجع بتقاضای وجوهی برای مخارج مخصوصی است . ثالثاً قوانین راجع بمنافع محلی در این سه فقره يك شور کافی است و مباحثات آن به ترتیب موارد فوری است چنانکه ذکر خواهد شد ولی در هر صورت اصلاحات یا مواد الحاقیه که در ضمن شور پیشنهاد میشود باید موافق ترتیبات ماده شصت و سه بعمل آید .

رئیس - نسبت به پیشنهاد آقای سهراب خان چه میفرمائید ؟

مخبر - در پیشنهاد آقای سهرابخان در قسمتی که

میگویند این بانک شعبه در خارجه داشته باشد این مسئله

پیشنهاد لازم ندارد زیرا البته این بانک اگر ممکن باشد



میتواند در خارجه هم شعبه داشته باشد و با تجارخانه های دنیا معامله کند دیگر محتاج باین قید نیست  
رئیس - رأی گرفته میشود بمابیل توجه بودن پیشنهاد آقای ساکینیان آقابانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول بضمیمه این پیشنهاد که قابل توجه شد و سایر پیشنهادات واصله بکمیسون ارجاع میشود. ماده دوم قرائت میشود  
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - سرمایه اصلی بانک پانزده میلیون تومان خواهد بود و برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکارهای بانک تهیه شود دولت مجاز است در مقابل عوائد معمولی مساعده هائی که مبلغ آن بیش از پنج ملیون تومان نباشد از وجوه ودایع خود (باستثنای وجوه انحصار قند و چای) دریافت دارد  
رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - اظهاراتی که در اینجا آقای معاون وزارت فواید عامه در جواب پیشنهاد مسیو ساکینیان کردند بنده را بکفداری برترید انداخت برای اینکه فرمودند ما میخواهیم يك مؤسسه بعنوان بانک تاسیس کنیم که از آن استفاده های عام المنفعه از قبیل تجارت و فلاحت بکنیم در صورتیکه بنده که باین لایحه علاقه مندم برای این است که بانک تاسیس میکنیم بعد در سایه وجود آن استفاده اقتصادی هم ببریم و البته ضرری هم ندارد که اینک در لایحه اقتصادی هم که دولت پیشنهاد کرده بود مقداری از وجوه این بانک را برای امور اقتصادی تخصیص داده بود بعد در حضور خودشان در کمیسون ما محدود کردیم و گفتیم بیش از نصف از سرمایه بانک را دولت حق نداشته باشد بکارهای اقتصادی بزند بطوریکه همیشه نصف از سرمایه بانک برای معاملات بانکی در بانک موجود

نخواهد رسید و اگر ما يك ودایمی که در بانک دیگر است انتقال بدهیم به بانک خودمان هیچ ضرر ندارد و اینکه ما در قانون تصریح بکنیم باستثناء وجوه قند و چای یعنی این پولها نباید نوی این بانک باشد. بنده با این قسمت مخالفم و معتقدم که ودایع را بطور کلی باید انتقال بدهیم باین بانک منتهی پنج میلیون آنرا بعنوان سرمایه اولیه قرض میدهیم باین بانک این بود عریض بنده مخبر - در قسمت اخیر فرمایشات آقای شیروانی توضیحاً عرض میکنم: عبارت ماده را اگر دقت بفرمائید مینویسد مساعده هائی که مبلغ آن بیش از پنج میلیون تومان نباشد از وجوه ودایع باستثناء وجوه قند و شکر تمام ودایع ما فعلاً در بانک است و يك اجرت المثلی هم از این بابت بما میدهند و هنوز این بانک تاسیس نشده است. دولت میخواهد از وجوه ودایع يك استقراضی بکند برای کارهای ابتدائی بانک این مربوط باین نیست که وجوه ودایع در آتیه در این بانک بیاید یا نیاید البته هر وقت بانک دایر شد و بکار افتاد هیچوقت دولت وجوه ودایعش را (در صورتیکه به بیند يك بانک رسمی هست) در بانک دیگری نخواهد گذاشت و میآورد به بانک خودش ولی این بانک هنوز تاسیس نشده و برای سرمایه اولیه اش میخواهد از وجوه ودایع غیر از وجوه انحصار قند و چای استقراض بکند. شاید بکوقت هم کاری پیش بیاید که با اجازه مجلس ناچار باشند از آن وجوه هم استقراض کنند بطوری که در ماده اول ذکر شده است این بانک برای پیشرفت امور تجارت و زراعت و فلاحت و کارهای عام المنفعه خواهد بود. وجوه قند و چای برای يك مصرف مخصوصی تهیه شده است و بدون اجازه مجلس نمیتوانند آن را ولو بعنوان استقراض هم که باشد بگیرند و مصرف دیگر برسانند این استثناء از این حیث است نه اینکه آن وجوه را باین بانک بیاورند. البته هر وقت بانک تاسیس شد هیچ مانعی ندارد که دولت آن وجوه را هم منتقل کند باین بانک و منافعی هم بدولت از این باب بدهد.

رئیس - آقای یاسائی.

یاسائی - مخالفت بنده با این ماده از این نقطه نظر است که نوشته شده است دولت مجاز است در مقابل عوائد معمولی مساعده هائی که مبلغ آن بیش از پنج میلیون نباشد از وجوه ودایع خود (باستثنای وجوه انحصار قند و چای) پرداخت نماید. توضیحاتی که لازم است در این ماده داده نشده. وجوه ودایع عبارت از چیست؟ مقصود عوائد سرحدی و راه سازی است که باید دولت آن را از بانک مسترد کند و در این بانک بگذارد؟ یا مقصود عوایدی است که بابت تقاعد گرفته شده و در بانک تودیع شده است باید آنها را مسترد کنند و سرمایه این بانک قرار دهند؟ یا عوائد دیگری است؟ بنده اطلاع دارم که در سنه ۱۳۰۴ ما يك اضافه عایداتی داشتیم امسال هم از نقطه نظر اینکه بودجه را مطابق ۱۳۰۴ تصویب کردیم و چهار دوازدهم را هم مطابق بودجه ۱۳۰۴ رأی دادیم يك اضافه عایداتی خواهیم داشت بین شش کرور و هفت کرور. بنده تحقیق کردم و اینطور گفتند که اضافه عایدی معمولی بین شش کرور و هفت کرور است. بنده عقیده ام این است که در این ماده تصریح شود که اضافه عایدات ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ برای سرمایه بانک ملی تخصیص داده شود. هر چه شد شش کرور هفت کرور و همانطور که آقای شیروانی تذکر دادند وجوهی هم که ودیعه گذاشته شده است چه وجوهی که بابت عایدات قند و شکر و چه وجوهی که از عایدات سرحدی برای راه سازی است و چه وجوه دیگر اینها را از بانک شاهنشاهی انتقال بدهند باین بانک و قید کنند که مصرف دیگر نرسد و بالاخره پولهای عجلاله در جاهای دیگر گذاشته شده است پس از تاسیس این بانک به این بانک انتقال داده شود و در این ماده تصریح کنند. بعلاوه بنده عقیده دارم که در این ماده قید شود: کلیه عواید مملکتی در ولایات باید بوسیله این بانک نقل و انتقال پیدا کند و در این قانون باید قید شود مالیاتهایی که در ولایات اخذ میشود توسط شعب



این بانک گرفته شود و در مرکز طرف محاسبه باخزانه همین بانک باشد. مأمورین مالیه و جوهی را که بابت مالیات جمع آوری میکنند بشعب این بانک تحویل بدهند و جوهی هم که حواله می شود باین بانک حواله بدهند بنده خیال میکنم اگر این قیدها را در این ماده بکنیم مفیدتر باشد

مخبر - بنده باز می بینم آقایان اشتباه میکنند سرمایه بانک را با جوهی که در بانک باید ودیعه گذاشته شود. وجوه مالیات یا ودایع که دولت در بانک میگذارد غیر از سرمایه بانک است سرمایه بانک و جوهی است که بانک باید با آنها معامله کند در صورتیکه وجوه ودایع و مالیاتها و غیره تابع این شرط نخواهد بود پنج میلیون که در اینجا پیش بینی شده است برای سرمایه اولیه بانک از نقطه نظر احتیاج است و برای کارهای عام المنفعه و دولت ممنوع نیست از اینکه عایدات قند و چای را در این بانک بگذارد یا بگذارد فرضاً تمام ودایع و وجوه قند و چای در این بانک گذاشته شود بانک حق نخواهد داشت بآن دست بزند و آنرا داخل معاملات خودش بکند و این هیچ تسهیلی در کار نخواهد کرد.

در این ماده آن سرمایه را که بانک میتواند با آن معامله کند و از آن استفاده نماید باید پیش بینی کرد و این بانک اگر بخواهد در مقابل تضمینات قرض بدهد و این معاملات را بکند با وجوه و دایع با مالیاتها دولت نمی تواند این کار را بکند و البته وقتی بانک تأسیس شد مانعی نخواهد بود که ودایع را هم در آنجا بگذارند ولی سرمایه ابتدائی را که بانک باید حق داشته باشد بآن دست بزند و با آن معامله کند باید علیحده پیش بینی کنیم و آن مربوط بوجوه و دایع نیست استدعا میکنم آقایان درست دقت بفرمائید که این قسمت ها مخلوط نشود در این ماده فقط مقصود این است که معلوم باشد سرمایه اولیه باید از چه محلی تهیه شود ناموقعی که سرمایه اصلی را تهیه نمایند. اینکه فرمودند اضافه عایدات را برای

این کار تخصیص بدهند این مطلب هم مربوط باین موضوع نیست زیرا عایدات دولت مطابق بودجه جمع و خرجی است که همه ساله می آورد بمجلس و تصویب میکنند و اضافه یا کسر هرچه هست باید بتصویب مجلس برسد. در این ماده تقاضائی که شده این است که از هزار و سیصد و هفت بیست و هفت ساله مبلغی از عوائد جاریه دولت تا میزان پنج میلیون برای تأدیه بیانگ ملی جزء بودجه مخارج مملکتی پیش بینی شود و اگر هم دولت از اضافه عایدات خودش خواست مبلغی برای این بانک تخصیص بدهد ممکن است لایحه بیاورد بمجلس و مجلس اجازه بدهد که از اضافه عایدات این سنه یا سنه بعد هم فلان مبلغ انتقال دهند بیانگ. راجع بمالیاتها هم که فرمودند لازم است عرض کنم که یک مؤسسه است تجارتی و صرافی اگر بخواهد با خزانه دولت معامله بکند آن ترتیب علیحده است و نمیتوان معاملات خزانه دولت را مخلوط کرد با معاملات بانکی. معاملات دولت و خزانه باید بکلی از معاملات بانگ مجزای باشد. ممکن است بانگ معامله با خزانه داری دولت را هم بعهده بگیرد ولی اینها را نباید با هم مخلوط کرد. آن یک حساب علیحده دارد که مربوط بحساب بانگ نیست خوب است اینها را در نظر داشته باشند و موضوع بانگ را با موضوع خزانه دولت مخلوط نکنند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا بدالله خان قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲ قسمت باستثناء الی آخر حذف شود

رئیس - آقای میرزا بدالله خان

میرزا بدالله خان نظامی - عقیده بنده این است که هیچ دلیلی ندارد در صورتیکه ما خودمان پول داشته

باشیم و در بانک غیر باشد در اینجا استثناء کنیم. مثلاً بنده در خارج می شنوم که با بودن مطبعه مجلس باین مهمی باز وزارت مالیه کار هائی که راجع بمطبعه دارد بمطبعه خارجی می فرستد. بنا براین وقتی که ما دارای بانک باشیم احتیاج نداریم که وجوه قند و شکر را جای دیگر بگذاریم. نقطه نظر بنده از این پیشنهاد این بود که اگر آقایان صلاح بدانند این استثناء برداشته شود که دولت بتواند از آن هم استفاده کند. در هر صورت باستثناء قائل نشویم. گر چه قانون مصرف آزا منع می کند ولی ممکن است که آن پول در همین بانک گذاشته شود

رئیس - آقای افشار

افشار - آقای نظامی در این قسمت کاملاً اشتباه فرمودند عرض کنم این وجه انحصار قند و چای تخصیص داده شده بمصرف مخصوصی و فعلاً در بانک است و آن بانک مراجع و فایده هم باین وجه میدهد اگر شما اینرا از آنجا بردارید و باین بانک بسپارید این بانک هم باید یک چیزی بابت این وجه بدهد و البته نمیتواند بدهد زیرا باید بمصرف برساند و استفاده بکند تا یک چیزی بدهد و بمصرف هم که نمیتواند برساند آنوقت باید آنمبلغ را که ما از جای دیگر استفاده میکنیم از اینجا استفاده نکنیم و این هم بضرر ما تمام خواهد شد

آقا میرزا بدالله خان - بنده پس از توضیحات آقای استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده

[شرح ذیل قرائت شد]

بنده پیشنهاد می کنم ماده دو به طریق ذیل اصلاح شود

ماده دوم - سرمایه اصلی بانک پانزده میلیون تومان خواهد بود و برای اینکه جهت شروع بکار سرمایه ابتدائی بانک تهیه شود دولت مجاز است در مقابل عوائد

بانک مساعده هائی که مبلغ آن بیش از پنج میلیون تومان نباشد از وجوه ودایع خود بیانگ بپردازد و کلیه وجوه ودایع دولت در این بانک بعنوان ودیعه گذارده خواهد شد رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - در این پیشنهادی که بنده کردم سه فقره اصلاح را در نظر گرفتم. یکی اینکه در راپورت کمیسیون قوانین مالیه در وقت اینکه پول دولت را تأمین کند بطور مطلق نوشته شده است (در مقابل عوائد معمولی) و برای اینکه کاملاً تصریح شود بنده عبارت را اینطور نوشتم. یک چیز دیگر که بنده در پیشنهاد خود پیش بینی کرده ام این است که دولت وجوهی که از بابت انحصار قند و چای و از بابت اضافه عایدات هر سال پیدا میکنند برسم ودیعه در بانک شاهنشاهی میگذارد البته پس از آنکه بانک خودمان تأسیس شد بهتر این است که این پول در آنجا باشد که اگر استفاده از آن وجوه ممکن باشد بیانگ خودمان برسد. و اینکه آقای افشار فرمودند ضرری متوجه وجوه قند و شکر و چای میشود بنده خیال نمیکشم اینطور باشد. زیرا همان طور که بانک شاهنشاهی از این وجوه قند و چای استفاده میکنند و یک پول جزئی هم بدولت میدهد البته بانک خودمان هم از این وجوه یک استفاده بیشتری میکند و همان مبلغی را که بانک شاهنشاهی بدولت میدهد این بانک میدهد. چون آنوقت این بانک بجزایان افتاده و پولی که بجزایان افتاده البته فایده خواهد داشت. اینها دو سه فقره اصلاح عبارتی است که بنظر بنده باید بشود

رئیس - آقای افشار

افشار - عرض کنم در اینصورت باید قانونی که در مجلس تصویب شده است در آن قانون یک اعمان نظری بشود زیرا ما یک مصارفی برای انقواید معین کرده ایم و حالا باید تغییر داده شود که بانک از عوائد قند و چای بتواند استفاده کند و آنرا بمصرف برساند در صورتی که



نظر ما راجع بان عواید يك مصرف خاصی است و مادامیکه بانك این حق را پیدا نکرده است نمی تواند این پول را بمصرف دیگری برساند و البته هم تصدیق میفرمایند تا تواند از این پول يك استفاده بکنند نمی تواند آن مبلغ را بدولت بدهد

مخبر - در قسمت اول پیشنهاد آقای احتشام زاده مقصود همان عایدات معمولی است ولی در قسمت آخر بکلی غیر از مقصود است که در این ماده قید شده است زیرا مقصود این ماده اخذ پنج میلیون استقرض است از ودایع و آفایان در موضوع گذاشتن ودیعه در بانك مذاکره میکنند در صورتی که این موضوع را ممکن است در يك ماده یا تبصره علیحده پیشنهاد کرد و مربوط باین ماده که در اینجا هست نیست

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه - بودن این پیشنهاد آفایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای یاسائی (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده اصلاح ماده دوم را بنحو ذیل پیشنهاد میکنم ماده دوم - سرمایه اصلی پانزده میلیون تومان خواهد بود و برای اینکه سرمایه ابتدائی جهت شروع بکار های بانك تهیه شود دولت مجاز است که مبلغی که بیش از پنج میلیون تومان نباشد از اضافه عایدات سنه ۱۳۰۴ و سنه ۱۳۰۵ دریافت دارد

وجود ودایع اعم عایدات سرحدی و عایدات انحصار قند و چای و وجوه تقاعدی و غیرها در بانك ملی ایران تودیع میشود  
رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - دو مطلب است که از هم باید تفکیک شود یکی سرمایه این بانك که در نظر است چه پولی خواهد بود البته پولی که بابت عایدات قند و چای هست ما

بکنفر از نمایندگان - يك مرتبه دیگر قرائت شود  
رئیس - قرائت میشود

[بشرح گذشته قرائت شد]

مخبر - عرض میشود اگر آقای یاسائی دقت بفرمایند عین مقصود ایشان بوجه اتم در خود ماده است زیرا اینکه در ماده نوشته از وجوه ودایع قرض کنند همان اضافه عایدات و وجوه متعلق بدولت است که در يك بانك دیگری گذاشته شده است و بانك ملی برای سرمایه خودش از آن وجوه قرض میکند - حالاً ما اضافه عایدات سال ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ را منحصرأ اختصاص به بانك بدهیم - شاید این اندازه نباشد و کمتر باشد و شاید الان بانك لازم نداشته باشد و یکسال دیگر لازم داشته باشد - و ما بطور کلی اگر اجازه بدهیم این پنج میلیون تومان را از وجوه ودایع دولت بگیرد بهتر مقصود را تأمین میکند - بعلاوه راجع بانتقال وجوه ودایع همانطوری که عرض کردم مربوط باینجا نیست این را ممکن است بطور تبصره یا ماده الحاقیه اضافه بکنند که وقتی که بانك دایر شد و بجزایر افتاد این کار را بکنند - و الا الان که بانك تأسیس شود و فردا که منزل بانك معین شد بیایند پانزده میلیون چهارده میلیون را بگذارند آنجا بانگی که هنوز تا بیرون دروازه هم شعبه ندارد این پول را چه بکنند؟ البته وقتی که بانك دایر شد داخل امور صرافی شد. وجه لازم دارد و هیچ مانعی نخواهد بود که ما بگوئیم وجوه دیگر را هم از بانگهای دیگر انتقال به آنجا بدهیم حالاً چه اصراری دارند که در اینجا حتماً این مسئله اضافه شود

یاسائی - اجازه میفرمائید - آن قسمت اخیر را به عنوان تبصره پیشنهاد میکنم و قسمت اول پیشنهاد باقی بماند و منافات ندارد

رئیس - رأی گرفته می شود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای یاسائی آفایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

[اکثر نمایندگان قیام نمودند]

رئیس - قابل توجه شد - ماده دوم به ضمیمه این پیشنهاد و سایر پیشنهادها بکمیسسیون ارجاع میشود ماده سوم

[بشرح ذیل خوانده شد]

ماده سوم - محل تهیه وجه برای سرمایه اصلی بانك وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصجات که لوايح آن علیحده تقدیم مجلس شورای ملی شده است خواهد بود

بعلاوه برای تأمین پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان مساعدت مذکوره در ماده [۲] از اول سنه ۱۳۰۷ تا دوازده سال همه ساله مبلغی از عواید جاریه دولت برای تأدیه بانك ملی در جزو بودجه مخارج مملکتی پیش بینی میشود - در هر صورت جمع مبلغ مذکور نباید از پنج میلیون تومان تجاوز کند -

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده اساساً تمیذام در این لوايح این چه قسم عباراتی است که نوشته میشود و بالاخره در موقع عمل این عبارات را چه قسم تعبیر خواهند کرد در قسمت اول همان طور که عرض کردم اگر آن شکلی را که آقای حابری زاده هم اظهار فرمودند نوشته شود بعقیده بنده بهتر است باین معنی که محل تهیه وجه برای سرمایه اصلی بانك خالصجات و جواهرات دولت خواهد بود. فروش خالصجات و جواهرات دولتی محل اعتبار این سرمایه خواهد بود بعد که فروش رفت البته پولش سرمایه این بانك خواهد بود بنده از آن عبارت ماده دوم که (بدولت اجازه داده میشود که در مقابل عواید معمولی مساعدت هائیکه مبلغ آن بیش از پنج میلیون تومان نباشد دریافت دارد) اینطور می فهمم اولاً يك مساعدت که از يك بانگی قرض بکنند باید يك مبلغی تزیل بدهند بعد در مدت دوازده سال آن پول را استهلاك کنند - یعنی از عواید مملکتی آرا



پس بدهند این تیکه دور سر پیچیدنش را که بنده نفهمیدم !! دونا اصطلاح خطرناک در وزارت مالیه پیدا شده که باید از بین برود - یکی کله و دبعه - یکی کله مساعده کله و دبعه صدی چهار صدی سه صدی دو عایدی دارد - کله مساعده صدی هفت صدی هشت صدی نه صدی دوازده ضرر دارد - آقایان هم میفرمایند پول ودایع در آنجا عایدات دارد !! بلی پولیکه بعنوان حساب جاری میگیرند از بانک اسمش مساعده است صدی هفت تنزیل میدهند ولی ودایعی که در آنجا هست صدی سه در آنجا در دست هزار تومان پول داشته باشید و صد هزار تومان را با بن حساب گرفته باشید صد هزار تومان پول شمانی منفعت مانده معهدا آقایان هم میگویند عایدات دارد چه عایدی دارد !! اگر پولیکه در بانک خارجی گذاشته شده است بیاید در يك بانک داخلی و يك معاملات صرافی بکنند و این اسارتیکه تجار ما دارند رفع شود و بالاخره همانطور که در يك بانک دیگری جاری و ساری است چه عیب دارد که در بانک خودمان باشد و منافع ما از دست نرود؟ آقای افشار میفرمایند (منافع) هر دو قلم را در دست میگیریم و میرویم در کیسیون تا بشما ثابت کنم که پول ما هر جا بطور ودبعه بماند ضرر دارد و بنده معتقدم که پنج میلیون از صرفه جوئیها و ودایعی که در بانک خارجی داریم انتقال بدهیم ببانک خودمان بعنوان سرمایه و همینطور هم در ماده دوم پیشنهاد کرده ام و هیچ دیگر هم لازم باستهلاك نیست پنج میلیون از پولهای خودمان را مینخواهیم سرمایه بانک قرار بدهیم. دیگر اینها چه چیز است؟

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - نماینده محترم اظهاراتشان متضمن دو سه نکته بود: یکی اینکه فرمودند بهتر این است که خالصجات و جواهرات را عیناً اعتبار قرار بدهیم البته تصدیق میفرمائید که این عملی نیست زیرا

بانک مینخواهد سرمایه اش را بجزریات بیندازد و البته جواهرات و خالصجات جایگیر آن سرمایه و منشأ آن اثری که سرمایه دارد نخواهد بود. قسمت دیگر فرمودند اشکالی در این ماده وارد است برای اینکه مطابق ماده اول ما مجبور هستیم از بانک خارجی قرض کنیم در صورتیکه چنین چیزی از این ماده مستفاد نیست دولت ایران بکوجوهی در بانک خارجه دارد و آن وجوه عبارتست از ودایع دولتی و از همان وجوه هم پنج ملیون تومان برای بکار انداختن این بانک میگیرند و چون هر ودبعه و وجهی یک حساب خاصی دارد البته مطابق قواعد حسانی مقتضی است که گفته شود از آن وجوه استقراض میشود و این هیچ اشکالی ندارد و در هر صورت آقای نماینده محترم باید مطمئن باشند که از بانک خارجی استقراض نمیشود بلکه از پول متعلق به مملکت که در یکجائی است يك مبلغی بعنوان مساعده گرفته میشود برای سرمایه بانک. اما استدلالی که می کنند در موضوع اینک آن وجوه ودایع باید بیاید در این بانک، در اینجا بنده تصور میکنم اگر قدری دقت بفرمایند بعد از بکار افتادن بانک و در صورت وجود يك بانک مقتدری در مملکت البته لازم است هر وجهی که دولت ایران در جاهای دیگر ودبعه میگذارد بیاورد در این بانک ولی این مربوط بموضوع اینقانون نیست بلکه ما باید اعمال مساعی بکنیم که دولت این بانک را تاسیس کند و يك بانگی باشد که شایسته برای گذاشتن ودبعه باشد و البته طبعاً هم این قسمت خواهد شد و تصور میکنم این ماده یکفایده هم دارد که نماینده محترم آن را فراموش کرده اند و آن این است که در اینجا که نوشته اند از وجوه حاصله از فروش خالصجات و جواهرات این تقریباً يك تکلیفی را متوجه مجلس شورای ملی میکنند که برای اجرای این تصمیم خود یعنی فروش خالصجات يك توجه و نظری هم نسبت بآن لایحه اعمال بکنند و این را هم باید تصدیق کرد که خالصجات و جواهرات بندرد

ما نخواهد خورد و باید آنها را پول بکنیم و از او برای مملکت استفاده بکنیم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - مخالفت بنده با فروش جواهرات است بطور کلی. در این لایحه نوشته شده است فروش جواهرات در صورتیکه يك قسمت از جواهرات چیزهایی است که آثار تاریخی دارد و يك قسمتش هم منحصر به تخت و تاج است و حفظ آنها لازم است. ما در سایر ممالک می بینیم که يك چیزهای تاریخی را حفظ میکنند و مخصوصاً برای نگاهداری آنها يك خرجهایی هم میکنند ولی اینجا بطور کلی نوشته شده است فروش خالصجات و جواهرات بنده عقیده ام این است که فروش جواهرات باید آن قسمتش باشد که مشرف بخرابی و اعدام و از بین رفتن است نه بطور کلی و در این زمینه پیشنهادی هم عرض میکنم که جواهراتی که مشرف بخرابی و اعدام است مشمول اینقسمت باشد

رئیس - اگر توجه بفرمائید اینجا اشاره میکند بلا یحه راجع بفروش جواهرات و در موقعیکه آن لایحه مطرح شد میتوانی این پیشنهاد را بکنید

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است؟

بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای عباس میرزا

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۳ را برتیب ذیل پیشنهاد مینماید

ماده ۳ - محل تهیه وجه برای سرمایه اصلی بانک وجوه حاصله از فروش جواهرات دولتی و خالصجات و شرکت نامه های صادره خواهد بود.

رئیس - بفرمائید

عباس میرزا - مقصود بنده این بود که این جواهرات

و خالصجات يك چیزی که اگر مجلس هم رأی بفروش آن بدهد در يك مدت قلبی فروخته بشود علاوه بر اینکه خودش يك اعتبار مهمی است و بنده نظرم این بود که چون این بانک ملی است بهتر این است که مسئله (ابلیگاسیون) و سهام هم در اینجا اعمال شود که اگر تجار و سایرین هم يك سرمایه هائی داشته باشند و بخواهند با این بانک شرکت کنند بتوانند و این قسمت دلیلی ندارد که محدود شود سرمایه دولتی در صورتیکه تاسیس بانک روی اعتبار است و ممکن است شرکت نامه هائی که صادر میکنند بوسیله این جواهرات معتبر کنند و باینوسیله ممکن است قبل از اینکه آن لوايح در اینجا بگذرد يك وجوهی از طرف اهالی ایران برای بانک تهیه شود و يك علاقه زیادی از طرف عموم نسبت باین بانک پیدا شود

مخبر - مسئله ابلیگاسیون را که شاهزاده میفرمایند راجع بيك بانکی است که اصل اساسش روی شرکت سهامی و آکسیون باشد تا در موقع تهیه وجه محتاج به ابلیگاسیون بشویم. ولی این بانک اساساً سرمایه اش از طرف دولت است برای کمک ب مردم و اینکه سایر افراد هم وجوه و ودایع نقدی خود را بتوانند در آن بگذارند این قسمت پیش بینی شد و میتوانی بگذارند و بانک هم تصرف میکند و هیچ اشکالی هم ندارد.

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این

پیشنهاد. آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شیروانی

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم: ماده ۳ - محل تهیه وجه برای سرمایه اصلی بانک جواهرات دولتی و خالصجات که بموجب قوانین علیحده فروش آنها بتصویب مجلس خواهد رسید خواهد بود.

رئیس - آقای شیروانی



شیروانی -- عرض کنم آن جمله بعد از چون نفهمیدم مقصودشان چه بود از این جهت لازم ندانستم تذکری در اینجا داده شود. همانطور که گفتیم محل سرمایه بانک این دو موضوع است یعنی خالصجات و جواهرات و بنده لازم میدانم به نماینده محترم آقای حاج میرزا مرتضی عرض کنم که آن جواهرات تاریخی را هم که ایشان فرمودند موضوع کرده اند و بکمقدار جواهر پیاده و مروارید است که دارد از بین میرود و آنها را بناست بفروشند آن هم (بعد از تصویب مجلس) که بنده این جمله را در پیشنهاد خودم اضافه کرده ام و تاسیس این بانک هم افتخارش بیشتر از جواهرات تاریخی است همینطور خالصجات که آنرا هم پیشنهاد کرده ام بعد از تصویب مجلس بفروش خواهد رسید. ولی جمله بعد که بالاخره میگوید این پنج میلیون را استهلاك میکنیم. این را بنده نفهمیدم مقصودشان چیست؟ دولت پنج میلیون از صرفه جوئیها و ودایع با عایدات با هر چه که هست از يك بانگی انتقال میدهد ببانک خودش و سرمایه اصلی بانک خودش قرار میدهد. دیگر این عبارت استهلاك را بنده نفهمیدم مقصود چیست؟ این پنج میلیون را پس میدهند بدولت که ضمیمه بودجه اش بکنند؟ یا میگوئید پس بدهند بان بانگی که از او گرفته اند؟ اگر اینطور است که باز همان عرضی است که بنده کردم: میخواهید يك قرضی بکنید و يك منفعتی بدهید و ودایع را هم يك جایی حبس کنید و يك منفعت کوچکتری بگیرید. و اگر بدولت این معامله را میکنید و دولت استفاده میکند چه لزومی دارد؟ الان دولت پنج میلیون صرفه جوئی در صندوق دارد و ممکن است بتدریج بیشتر هم بشود و اصلاً بهتر این بود از ابتدا مینوشتند سرمایه اصلی بانک پنج میلیون باشد و الان هم شما میتوانید قلم در دست بگیرید و حساب بکنید ببینید در سنوات قبل چه مبلغ صرفه جوئی و اضافه عایدات داشته اید که در بانک بودیم گذاشته اید همان را سرمایه اصلی این بانک قرار بدهید اضافه عایدات سال بعد را هم با آنجا اضافه کنید دیگر مسئله استهلاك را بنده نمیفهمم!!

نماینده محترم آقای شریعت زاده هم گویا هیچ لایحه را نتوانند بودند چون جوابهایی که میدادند ابتدا مربوط بعراض بنده بود. این است که بنده تقاضا میکنم لااقل پیشنهاد برود بکمیسریون تا در آنجا اصلاح شود مخبر -- در پیشنهادی که کرده اند بنده تفاوتی با اصل ماده نمی بینم جز اینکه قدری مبهم تر شده است در ماده مینویسد: محل تهیه وجه برای سرمایه این بانک وجوه حاصله از فروش جواهرات و خالصجات خواهد بود. ولی در این پیشنهاد میگوید: محل سرمایه بانک خالصجات و جواهرات خواهد بود. جواهرات را کمر بگذارند؟ بفروشند؟ یا همین طور نگاه بدارند؟ و معلوم نیست چه کار بکنند. و بعد در آخرش نوشته اند که بموجب قانون علیحدہ بفروش برسانند. این همین ترتیبی است که در ماده نوشته شده و میگوید: قانونی یا لایحه از طرف دولت برای فروش خالصجات و جواهرات بمجلس میآید و بعد از آنکه مجلس آنرا تصویب کرد آن وقت وجوه حاصله از فروش آنها اختصاص پیدا میکند بسرمایه بانک و این پیشنهاد عین آن چیزی است که در ماده نوشته شده. اما قسمتهایی که لازم است که آقای شیروانی متوجه شوند این است که دولت با هر بانگی با هر جایی يك معاملاتی دارد. الان اداره ارزاق يك مخارجی دارد و يك پولی از اداره خزانه داری قرض میکند یعنی مساعدت میکند. مساعدت و ودیعه هم يك لفظی نیست که مخصوص باشد برای معامله با بانکهای خارجه. هر جوهی را که از يك جایی میگیرند مساعدت است و هر جوهی را هم که در يك جایی میگذارند عنوانش ودیعه است چنانچه اداره ارزاق که از خزانه مساعدت میگیرد باید با خزانه داری حساب خودش را تصفیه بکند و این پولی را که گرفته است متدرجاً از عوائد خودش بپردازد و در قسمتی هم که پول میگیرد باید لایحه بیاورند به مجلس و مجلس تصویب بکند اینجا هم همین طور است. درست است که بانک باید از خزانه بگیرد و این هر دو مال دولت است ولی

حساب باید روشن باشد يك وجهی است که دولت قرض میدهد و يك وجهی است که باید دولت بجزانه بسپرد و نباید اینها را با هم مخلوط کرد.

رئیس -- لازم است که تذکر بدهم که قسمت دوم این ماده از اول (بعلاوه) تا آخر ماده کاملاً مربوط بماده دوم است و بموجب پیشنهادی که قابل توجه شد و بکمیسریون ارجاع شد تا تکلیف آن ماده معلوم نشود تکلیف این قسمت معلوم نخواهد شد بنا بر این نسبت به پیشنهاد آقای شیروانی راجع بقسمت اول رأی گرفته میشود.

شیروانی -- بی پیشنهاد بنده هم راجع بقسمت اول است.

رئیس -- رای گرفته میشود بقبول توجیه بودن این پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام کنند (عده قیام نمودند)

رئیس -- قابل نشد. پیشنهاد آقای بیات (بشرح ذیل خوانده شد)

قسمت اخیر ماده سه را بشرح ذیل اصلاح و پیشنهاد مینماید:

بعلاوه برای تأمین ترتیب پرداخت مبلغ پنج میلیون تومان مساعدت مذکوره در ماده دو مبلغی که صرفه جوئی و اضافه عایدات بودجه ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ بوده محسوب و بقیه وجه فوق را ده ساله در بودجه مملکتی منظور دارند  
رئیس -- آقای بیات

مرتضی قلیخان بیات -- اینجا نظر آقایان که در ماده ۲ پیشنهاد کردند و بطوریکه در ماده سه هم مذاکره کردند این بود که این پنج میلیون از يك بانگی گرفته شود و باین بانک داده شود بنده هم همین نظر را دارم و باین جهت هم این پیشنهاد را کردم. چون دولت در بودجه ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ يك اضافه عایداتی داشته و این اضافه عایدات و صرفه جوئی اضافه بر بودجه معمولی دولت

است و بنده عقیده دارم که این اضافه بودجه ۱۳۰۵ و ۱۳۰۴ را هر چه میشود اختصاص باین بانک بدهند و دیگر برای این اضافهات يك مخارجی درست نکنند مقصود این است که دولت هر چه اضافه عایدات در این دو ساله پیدا میکند اختصاص باین بانک بدهد اگر چنانچه این مبلغ پنج میلیون تومان شد که همین مبلغ را سرمایه اولی بانک قرار دهد و اگر این دو محل باندازه پنج میلیون تومان نشد و کمتر شد کسری پنج میلیون تومان هر چه شد آنرا سال بسال از بودجه های بعد منظور کنند که در واقع این صرفه جوئیهای دولت محل دیگری غیر از محل بانک نرسد و این مسئله هم نظریه آقایان و هم نظریه آقایانی را که صرفه جوئیها را در نظر داشتند تأمین میکند.

رئیس -- با تذکری که دادم تصور نمیکنم باین پیشنهاد هم بشود رای گرفت. پیشنهادی که در ماده دوم شد و قابل توجه شد اساس استقراض را لغو میکند و این پیشنهاد جدید آقای بیات هم اشاره بآن استقراض است. بیات -- اجازه میفرمائید

رئیس -- بفرمائید

بیات -- ممکن است این پیشنهاد هم بکمیسریون مراجعه شود و با آن ماده تطبیق بکنند و دو باره بمجلس بیاورند  
رئیس -- این صحیح است. پیشنهاد آقای حقنویس خوانده میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سه اینطور نوشته شود: محل تهیه وجه برای سرمایه اصلی بانک مبلغ يك میلیون و پانصد هزار تومان سالیانه از عوائد جاریه مملکتی است که نامدت ده سال برای سرمایه بانک تخصیص داده می شود

رئیس -- آقای حقنویس

حقنویس -- بنده چون در این قسمت که سرمایه



از فروش خالصجات و اعتبار جواهرات دولتی خواهد بود  
تا آخر ماده

رئیس - آقای فرشی

فرشی - قانون فروش جواهرات هنوز از مجلس نگذشته و معلوم نیست اکثریت مجلس فروش جواهرات را تصویب میکنند یا نه ولی لایحه فروش خالصجات مجلس آمده این است که بنده پیشنهاد کردم که محل سرمایه بانک از وجوه فروش خالصجات و اعتبار جواهرات دولتی باشد. چون فروش خالصجات تصویب میشود و پس از اینکه بانک باز شد ممکن است این جواهرات را در بانک بعنوان اعتبار بگذارند. در بانک های دیگر هم همین طور معمول است که شمشهای طلا و جواهرات را میگذارند چه عیب دارد ما هم همین کار را بکنیم؟ چون هنوز تکلیف فروش جواهرات معلوم نشده لذا بنده اینطور پیشنهاد کردم که سرمایه این بانک از فروش خالصجات و اعتبار جواهرات باشد

مخبر - بانک پول لازم دارد جواهرات بدرش نمیخورد زیرا با الماس و مروارید داد و ستد نمیشود کرد ولی بعد که اعتبار پیدا کرد البته ممکن است در صندوقهایش جواهرات و اسامی شرکتها و اسناد عمده هم در آنجا گذارده شود

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای سهرابخان ساکینیان قرائت میشود (بمضمون آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم اینطور نوشته شود  
ماده سوم - سرمایه اصلی بانک از دو محل دولتی و ملی ذیل بالمناصفه تهیه خواهد شد

۱ - از وجوه حاصله از فروش مستغلات دولتی

بانک از فروش خالصجات باشد (یعنی با فروش خالصجات) مخالفم و از طرف دیگر آقایان تصدیق میکنند که فرضاً خالصجات را بفروشند باز مدت پنج سال ده سال کار دارد تا پول بشود و از طرف دیگر هم تصدیق میکنند که عایدات جاریه مملکتی ممکن است يك اضافاتی پیدا کند چنانچه در این ماده برای تأدیبه این مساعده پنج میلیون از عایدات جاریه مملکتی معین شده بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم که این پانزده میلیون سرمایه بانک سالی يك میلیون و پانصد هزار تومان از عایدات جاریه مملکتی باشد باین معنی که سالی يك میلیون و پانصد هزار تومان از عایدات مملکتی را تخصیص بآنک بدهند که در مدت ده سال پانزده میلیون تومان میشود و با این ترتیب ما هیچوجه محتاج فروش خالصجات نخواهیم شد و از آن طرف نظریه آقایانی هم که میگویند سرمایه بانک پس از چه محلی باید باشد تا همین خواهد شد و باینده موافقت خواهند نمود که خالصجات بین رعایا تقسیم بشود.

مخبر - این پیشنهاد آقای حقنویس ما را بکلی از مقصود دور میکند زیرا ما میخواهیم بانک يك سرمایه مکنی داشته باشد و تاسیس بانک هم برای معاملات اقتصادی و عام المنفعه است و باید فوریت وارد کارهای اساسی بشود. لذا ناده سال صبر کردن و بتدریج سرمایه برای بانک درست کردن مقصود ما را تا مین نمیکنند و همان پیشنهاد اولیه باز بهتر بود

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فرشی قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم ماده ۳ اینطور اصلاح شود  
محل تهیه وجه برای سرمایه اصلی بانک وجوه حاصله

۲ - از سهام بانک که با تبايع داخله بفروش میرسد  
نصره - حصه دولت همیشه وثیقه در مقابل وجوه سهام  
افراد محسوب میشود

رئیس - آقای ساکینیان

سهرابخان ساکینیان - بعقیده بنده این ماده يك نواقصی دارد. ما که مخالف با فروش خالصجات و جواهرات هستیم نمیتوانیم با این ماده موافق باشیم و بعقیده بنده در تمام دنیا کلیه بانک های دولتی اسهامی هستند. آقای مخبر میفرمایند این بانک باید سرمایه اش از دولت باشد ولی بنده عرض میکنم کلیه بانک های دولت بانک انگلیس یا فرانسه یا آلمان تمام اسهامی است منتها ما محلی که برای سرمایه این بانک پیدا میکنیم این است که نصف از طرف دولت باشد و نصف از طرف افراد یعنی اتباع داخله ایران..

مخبر - لازم است عرض کنم که این بانک بانک سهامی و شرکتی نیست بانکهایی که اسهام منتشر میکنند یکقسم شرکت های تجاری هستند و مطابق قانون شرکتها تاسیس میشوند و افراد هم میتوانند آن اسهام را خریداری کنند ولی این بانک را عجزاً نمیتواند بصورت شرکتی و تجاری تاسیس نمود. شاید بنده هم با حضرتعالی هم عقیده باشم که بانک را بصورت سهامی و شرکتی تاسیس باید کرد ولی حالا يك موافقی دارد که ما ناآل نمیشویم بنا بر این ممکن است که فعلاً بانک را با سرمایه دولتی تاسیس بکنیم ولی بعد ممکن است شرکتها را از افراد تشکیل دهیم

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای بامداد

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۳ بکلی حذف شود

رئیس - نسبت بقسمت دومش نمیشود این تقاضا را

کرد نسبت بقسمت اولش بفرمائید

بامداد - صحیح است راجع بقسمت دوم در ماده قبل پیشنهادی شد و قابل توجه شد و قسمت اولش هم معلوم نیست تکلیف او چه میشود - چون لایحه که میآید معلوم نیست ما فروش جواهرات و خالصجات را تصویب می کنیم یا نه؟ غرض تعیین سرمایه است و راجع به سرمایه هم بطور کلی مقصود ما و تمام رفقا این است که سرمایه این بانک از اضافه عایدات باشد. بنا بر این دیگر وجود این ماده لزومی ندارد.

مخبر - آقای بامداد در موقع فروش خالصجات میفرمایند تا بانک تاسیس نشود نباید این لایحه تصویب شود و در اینموقع که لایحه بانک مطرح است بعکس میفرمایند پس با این ترتیب هیچکدام نباید تصویب شود یا اینکه تمام لواج باید متفقاً از مجلس بگذرد

عدل - بنده هم يك پیشنهادی در این زمینه تقدیم کرده بودم

رئیس - بلی بعد از پیشنهاد ایشان است.

عدل - اگر رد شود دیگر مال بنده هم مورد ندارد

رئیس - سابقه ندارد در يك پیشنهاد شاید چند نفر آقایان موافق باشند ولی سابقه این است که يك نفر باید توضیح بدهد پیشنهاد جنابعالی بعد از این پیشنهاد است رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای بامداد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقایان احتشام زاده وثقه الاسلامی و شیروانی هم راجع به قسمت دوم ماده است میباید برای بعد. پیشنهاد ختم جلسه هم شده است.

آقا سید یعقوب - پیشنهاد ختم جلسه مقدم است.

مخبر - این پیشنهاد را با ماده سه و بقیه پیشنهادات بطور کلی بکمیسیون ارجاع بفرمائید



از ظهر دستور هم بقیه دستور امروز  
آقا سید یعقوب - خوب است بدولت اطلاع داده  
شود که برای تعیین روز استیضاح حاضر شود.  
( مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد )

رئیس - تقاضای ارجاع بکمیسیون میکنید؟  
مخبر - بلی چون قسمت آنی باید برود بکمیسیون.  
رئیس - بسیار خوب ماده سوم با پیشنهادات بکمیسیون  
ارجاع میشود. جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت قبل